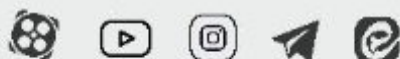




معیار انتخاب اولیاء و اوصیاء نزد خداوند

Dr. Bagherpour Kashani



معیار انتخاب اولیاء و اوصیاء نزد خداوند

شما هر چقدر هم تزکیه و تصفیه کنید، بدون حجت الهی تا یک اندازه‌ای می‌توانید رشد کنید! مثلاً فرض کنید به حکم عقل عمل می‌کنید در حکم حسن و قبح عقلی و ذاتی.

عقل هر عاقلی می‌فهمد که عدل خوب است انجام می‌دهد؛ خیانت و ظلم بد است ترک می‌کند؛ اما همه چیز که دیگر نمی‌تواند بفهمد!

مثلاً خداوند متعال گفته به این نوع خاص مرا عبادت کنید، نماز یک مدل خاصی هست. حالا فرض کنید انبیاء نمی‌آمدند، آیا شما می‌توانستید به این صورت نماز بخوانید؟ نمی‌توانستید نماز بخوانید! حتی خیلی از این بحث‌ها بله انسان با همین امکانات می‌تواند به آن‌ها برسد، اما بعید است که برسد!

شما می‌بینید که مثلاً ارسطو با اینکه یک شخصیتی بوده که منطق صوری را که مطرح کرده در مقابله با سوفسطائیان، منطقی هست که الآن هم در حوزه استفاده می‌شود هم دانشگاه؛ حالا چقدرش درست است و چقدر نادرست است و به کار می‌آید یا به کار نمی‌آید، این یک بحث دیگری هست، ولی بعد از هزاران سال این منطق مانده! همین ارسطو در آثار خودش قائل به تعدد و تکثر محرک لایتحرک هست! یعنی اله؛ اله‌های مختلف! که این حرکات‌ها همه از ناحیه‌ی اوست اما خودش حرکت ندارد! ببینید ارسطو با این همه فیلسوف بودنش نتوانسته به یکتایی خدا برسد! اگر عقل باشد که باید همه برسند!

معیار انتخاب اولیاء و اوصیاء نزد خداوند

برهان داریم اما باید آن نبی و حجت الهی بیاید به ما تعلیم بدهد و ما بتوانیم برسیم؛ از باب تَعَلَّمْ مِنْ ذِي عِلْمٍ، بتوانیم به آن‌ها برسیم. «اما اینکه با پروردگارش مرتبط شود و اراده‌ی او را بفهمد، از این طریق که خداوند او را بر غیب مطلع کند».

نه! این اشتباه هست! این کلیت ندارد!

اولاً آیا انبیاء در پرتوی خالص کردن و تزکیه به این‌جا رسیدند؟ نه! آیا حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام، وقتی به دنیا می‌آید، حضرت مریم سلام الله علیها ایشان را بین قومش می‌آورد و او می‌گوید که من پیامبر هستم، خداوند به من کتاب داده، آیا آن بچه فرصت تزکیه داشته؟! اصلاً تزکیه نداشته! از اول این ویژگی را قرار داده! خداوند می‌دانسته که در شرایط یکسان کدام یک بهتر عمل می‌کنند، از اول این ویژگی‌ها را در ارتباط با آن‌ها قرار داده است.

پس این کلیت ندارد که این با غیب مطلع شود. بله! با توجه به اخلاص و تبعیت از حجج الهی می‌تواند به غیب مطلع شود، یا می‌تواند اراده‌ی او را بفهمد! یعنی یا خودش خلیفه‌ی خدا در زمین شود نه در پرتوی خالص شدن که ایشان می‌فرماید؛ به خاطر اینکه ائمه‌ی معصومین علیهم السلام، این‌ها که امتحان نشدند! «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي» نور بودند، قبلش چیزی نبوده که بخواهند امتحان شوند! از اول اشرف مخلوقات بودند، از اول کمالات اعطاء شده در عوالم ذر، ارواح، این کمالات داده شده، این‌جا هم این کمالات داده شده!

معیار انتخاب اولیاء و اوصیاء نزد خداوند

در این جا کجا توانستند خودشان را خالص کنند؟ بله امتحان شدند، ولی اینکه این ها مثلاً حضرت محمد صلی الله علیه وآله را که به عنوان خاتم انبیاء بوده چون چهل سال اهل ریاضت بوده از حضرت ابراهیم علیه السلام فرض کنید بیشتر ریاضت کشیده، گفتند حضرت محمد دیگر شد خاتم انبیاء و شرافتش نسبت به حضرت ابراهیم بیشتر هست! اینگونه است؟! نه! بله قطعاً عملکرد بهتری دارد حرفی نیست، اما به این معنا نیست که در پرتوی خلوص باشد! نه! از اول به جبر این امتیازات داده شده! اما بله یک فردی که غیر معصوم باشد، در پرتوی خلوص و در پرتوی تبعیت از حجج الهی می تواند به اراده ی او یا به امور غیب دست پیدا بکند. غیب یعنی چه؟ عوالم قبل این عالم! غیب یعنی چه؟ عوالم بعد از این عالم! در برزخ چه خبر است؟ می خواهند با ما چه کار بکنند؟ سؤال قبر! فشار قبر! احتضار! برزخ! قیامت! نفخ اول! نفخ دوم! صور اول! صوری که در ارتباط با او هست! این ها یعنی چه؟

حشر و نشر! صراط! مرصاد! میزان! تطایر الکتب! حسابرسی! این ها یعنی چه؟ این ها چی هست؟ این ها غیب است!

چگونه می تواند بفهمد؟ در پرتوی اخلاص می تواند به این چیزها برسد؟! نه! این ها امور غیبی هست! این ها را باید انبیاء بیابند آموزش بدهند، و خداوند اعطاء کرده این علوم را به انبیاء یا نشان داده، آن ها هم می آیند به غیر معصوم چنین چیزهایی را می گویند.